



کارکردهای معنایی و اجتماعی شخصیت امام رضا(ع) در سینما (۲)

تجدید عهد با علم بالا

مهرداد دانش



هر شب تنهایی

ابتداء، حضور افرادی فقیر را در منزلش نشانه‌های آسمانی می‌انگارد و بدین وسیله قصد پالایش دارد، اما با مزاحمت طاقت‌فرسای آنها، ترک منزل می‌کند و به سمت مشهد ره می‌سپارد تا در محل شهود و شهادت (معنای لغوی مشهد) به مکاشفای اصیل‌تر در این راستا برسد. رسول صدر عاملی در دو فیلمی که درباره زیارت مرقد حضرت رضا (ع) ساخته است؛ یعنی **شب و هر شب تنهایی**، باز مفهومی اخلاقی و معنوی را در مسیر زیارت جست‌وجو می‌کند. در فیلم اول همدلی و نزدیکی آدم‌هایی با شغل و منش متفاوت در داخل حرم کشف می‌شود و در فیلم دوم یأس معترضان آدمی بریده، به شکلی تدریجی و در اثر نزدیکی عاطفی با موجودی معصوم و بی‌پناه در داخل حرم شکل می‌گیرد. در فیلم **کیمیا** (احمد رضا درویش) یک ملودرام شیرین تعریف می‌شود: از پدری که سال‌ها در اسارت دشمن بوده و حالا می‌خواهد دختری را که او را نمی‌شناسد و نزد خانواده‌ای دیگر پرورش یافته با خود بردارد و ببرد. تا اینجا کار فقط با یک داستان دل‌انگیز عاطفی سروکار داریم، اما عطف داستان به حرم امام رضا(ع) و کیوت‌هایی که مرد دانه‌شان می‌دهد، در نهایت ایثار بزرگوارانه‌اش را معنایی پالایش‌گر از نوع دینی می‌دهد. در **به آهستگی** هم با مردی سروکار داریم که در جامعه‌ای به شدت ریاکار و فاسد و البته ظاهرالصلاح به سر می‌برد و پس از طی کردن فرآیندی دشوار تصمیم به هجرت می‌گیرد و در دورنمای مأوای جدیدش، گنبد حرم امام رضا(ع) به چشم می‌خورد؛ ترجمانی دیگر از امنیت و آرامش روح در جوار برگزیده‌ای از برگزیدگان خدا.

تأمل و تدبیر و عبرت

تسا اینجا، از دو نوع بازتاب «رضوی» در سینمای ایران یاد کردیم؛ اول کارکردهای معجزه‌ای و دوم شمایل‌های پالایشی. در این بخش‌نوع سوم را مرور خواهیم کرد که الگوی تاریخی است. در این الگو فیلم‌ساز به طور مستقیم رفته است سراغ زمانه خود امام رضا(ع) و با برجسته‌نمایی قسمتی از مختصات مربوط به زندگی ایشان یا اوضاع و احوال روزگارشان به لحاظ اجتماعی و معیشتی و سیاسی و غیره، در نظر دارد از آن بزرگوار یک جور الگوسازی برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها به عمل آورد تا مایه تأمل و تدبیر و عبرت تماشاگر باشد. در خود سینما البته تا به حال فیلمی از زندگی امام رضا(ع) ساخته نشده است، ولی مجموعه تلویزیونی **ولایت عشق** (مهدی فخیم‌زاده) در این زمینه قابل ذکر است. در این سریال مقطعی از زندگی حضرت برگزیده شده که شامل دوران امامت ایشان است و ماجراهایی که به ترک مدینه و عزیمت به طوس و مسائل ولایت عهدی مأمون و در نهایت شهادتشان منجر شد. این جور روایت‌پردازی در واقع از زمینه‌ای بیوگرافیکال تبعیت می‌کند؛ منتها به دلیل موقعیت خاص امام که در مقام ولایت و امامت قرار دارند، از قالب زندگینامه‌ای تا حد و حدودی فراتر می‌رود و تمایل به یک جور سرمشق‌گونه‌ای از وضعیت امام در تمام اعصار پیدا می‌کند.

اما در سینما شاخص‌ترین (و البته شاید تنهاترین!) نوع این‌چنینی، فیلم **پرچم‌های قلعه کاوه** (محمد نوری‌زاد) باشد. این فیلم اپیزودیک است و تنها اپیزود اولش در زمان امام رضا(ع) می‌گذرد، منتها بر اساس یک عنصر و موتیف واحد در تمام اپیزودها، عطف اصلی کار به همان موقعیت خاص حضرت به عمل می‌آید. آن چه

حتماً بسیاری از ما هنگام زیارت آرامگاه امام رضا(ع)، نیازهای مادی متعددی داریم که می‌خواهیم ادا شوند، اما در عین حال نفس زیارت، فارغ از این که این حاجات مادی برطرف شوند یا نشوند یا اصلاً چه حجم و ماهیتی داشته باشند، امری به شدت معنابخش است و برای همین روح و روان اغلب زوار بعد از زیارت، حس سبک‌بالانه به خود می‌گیرد. این حس در واقع یکی از اساسی‌ترین کارکردهای زیارت است؛ حس پالایش یافتگی وجود و روح آدمی از زنگارهای آلوده پیرامونی. انگار زیارت در این معنا یک جور تجدید عهد با عالم بالاست و حس میهم، اما به شدت شیرین و معنوی در روانمان می‌گستراند و ما را در برداشتن گام‌های درست زندگی‌مان و رفع تردیدهای فرسایش‌گر ذهن مصمم می‌کند. سینمای ایران در این قسم، فیلم‌های متنوعی را در بر دارد؛ از **چاووش** ساموئل خاچیکیان گرفته تا **ایستگاه متروک** علیرضا رئیسیان. در این مختصر به برخی از بهترین نشان اشاره می‌کنیم. شاید یکی از قدیمی‌ترین فیلم‌ها در این باب **قیصر** (مسعود کیمیایی) باشد. شخصیت اصلی فیلم قرار است انتقام هتک حیثیت و جان خواهرش را از جانیان بگیرد. تا اینجا کار فیلم ربطی به معنویت پیدا نمی‌کند و حرکت فردی انتقام‌گیرانه‌ای را در یک سامانه ناتوان و ضعیف اجتماعی به رخ می‌کشد. اما آنجا که مرد داستان، پیرزن همسایه را با خود به زیارت امام رضا(ع) می‌برد و خود نیز در هیاهوی زائران گم می‌شود، پیش‌زمینه‌ای معنایی و حتی آیینی برای کنش انتقام‌گیری‌اش شکل می‌گیرد و نوعی مشروعیت آسمانی برای حرکتی همچون قتل جنایتکاران گرفته می‌شود و خود شخص نیز انگار پیشاپیش از کشتن نفس انسان (های ولو ظالم) توبه می‌کند و خونی را که می‌خواهد بریزد، با معنویت جاری در حرم، از اله نجاست می‌کند و بدین ترتیب خود نیز به یک جور تطهیر می‌رسد. در فیلم **بانو** (داریوش مهرجویی) زن داستان که پس از خیانت همسرش در پی مأمنی معنایی برای آرامش روان افسرده‌اش بود، در

مستندها و این روزها

احمد میراحسان

نیت این متن بررسی فیلم‌های حرفه‌ای مستند اخیر ما با تأکید بر تمایزهای پدیدار شده در تجربه مستندهای نسل جوان مستندسازان است. ضمن پافشاری بر این مفهوم که کیفیات زیبایی‌شناسی قابل تبدیل به اعداد و کمیت نیستند، نوشتن درباره سینما، یکی از اشتیاق‌های من است و این روزها و سال‌های اخیر شوق گفت‌وگو از مستندهایمان شدیدتر از بررسی فیلم‌های اکران مرا می‌رباید و همان طوری که در آغاز اشاره کرده‌ام، موضوع‌های تئوریک و عملی زیادی وجود دارد که باید به آنها بپردازیم. اکنون چالش‌هایی که سینمای مستند ایران از سر می‌گذراند، به طور جذابی با امر توسعه جامعه ما گره خورده است. بازتاب تحولات تکنولوژیک دیجیتال در سینمای مستند جهان و ایران و توسعه حق تولید و تماشای تصویر زندگی روزمره و تأثیر امور چشم‌پوشی‌ناپذیر یک دوران در تحولات زیبایی‌شناسانه و ساختاری مستند و تغییر موقعیت، وزن و جایگاه مستند در اجتماع ما همه و همه مسائل نو و جذابی است که ضرورت گفت‌وگوهای تازه‌تر و دیدگاه‌های با طراوت‌تر را پیش می‌آورد.

انسان‌شناسی مستند ایران و ایران مستند، گفتمان‌های ابتکاری و عمیقی را پیش رو می‌نهد که اگر تفکر ما کلیشه‌ای، تقلیدی، دنباله‌رو و تکراری نباشد، می‌تواند موجب ظهور بحث‌های خلاق و تازه و مؤثری در قلمرو سینمای مستند ما شود که خلأشان کاملاً محرز است. جدا از مسائل کلی، به‌طور مشخص هم خود مستندهای اخیر و هم مسائلی که مستندسازان ما با آن درگیرند، قابلیت کاوش جدی دارد.

مستندهای اخیر و مسائل پیرامونی‌اش را می‌توان تحت مقوله‌ها و جفت مقوله‌های گوناگون قرارداد و موشکافی‌شان کرد.

ضمن اشاره به دسته‌ای از عناوین برجسته و ضروری و گریبانگیر مستندسازی ایران، سعی می‌کنم اولین موضوع را طرح و واکوی کنم و به مرور و در آینده و بعدها بررسی عنوان‌های دیگر را به فرجام برسانم.



در تمام بخش‌های فیلم مورد تأکید قرار می‌گیرد، عنصر مبارزه است. در اپیزود اول مبارزه ضمنی و مقاومت منفی علیه حکومت عباسیان مطرح است، در اپیزود دوم مبارزه در جریان جنگ‌های صلیبی نمود پیدا می‌کند، در اپیزود سوم جهاد را در متن دفاع ایرانیان در مقابل هجوم مغول‌ها در قرن هفتم هجری باز می‌یابیم و در نهایت در اپیزود چهارم، مأمور پلیس مرزی با حراست از سرمایه‌های ملی در برابر باندهای قاچاق این مبارزه را بعدی دیگر می‌بخشد. می‌بینیم که هر یک از این ماجراها در زمان و مکان مختلفی روی می‌دهد، اما در همه آنها عنصر مبارزه با الهام از رفتار امام رضا (ع) در مقابل حکومت جور زمانه‌اش جریان دارد و البته در کنار آن نماد کتاب قرآن هم مثل یک زنجیره حلقه‌های مختلف این اپیزودها را به هم متصل می‌سازد. شخصیت اصلی اپیزود اول که کاتب قرآن است، نمی‌تواند به خواسته‌اش که اهدای قرآن به امام رضا (ع) است برسد، اما پس از دست به دست شدن کتاب در زمان‌های گوناگون توسط افراد مختلف، سرانجام توسط همان پلیس اپیزود آخر به موزه آستان قدس ارسال می‌شود تا آغاز و فرجام فیلم هم با یاد و نام امام رضا (ع) قرین باشد و در عین حال مبحث ناگسسته بودن پیوند کتاب و عترت به عنوان یک اصل مشهور شیعی مورد تأکید قرار بگیرد.

شاید بتوان با دقتی بیشتر، رهیافت‌های دیگری را به آن چه در این مقاله مختصر مورد اشاره قرار گرفت افزود. اما همین مطلب کوتاه نیز نشان می‌دهد که با الهام از سرمایه معنوی بزرگی مانند شخصیت امام رضا (ع) و زیارت مرقد ایشان می‌توان به چه قالب‌های متنوعی در ساختار و مضمون آثار سینمایی مرتبط با این موضوعات دست یافت و فارغ از کلیشه‌پردازی‌های متداول، راه‌های جدیدی را با خلاقیت و هنرمندی در این مسیر گشود.

